

بررسی شعر انقلاب اسلامی

و یاد کرد دکتر قیصر امین پور

اشاره

سال ۱۳۸۷ سی‌امین سال پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است. بی‌شک برجسته‌ترین وجه این انقلاب بزرگ، وجه فرهنگی و فکری آن است. در این میان مقوله ادبیات در ارتباط با تحولات اجتماعی منجر به بروز و تکوین انقلاب اسلامی دارای وجوه و زوایای گوناگونی است. بررسی نقش ادبیات در ایجاد زمینه‌های تحول پیش از پیروزی انقلاب و بروز و ظهور اندیشه‌های اصلاح طلبانه و آگاه‌ساز، بررسی ادبیات به مثابه زبان گویای انقلاب و روایتگر اندیشه‌های اصلاحی پس از پیروزی انقلاب، بررسی ادبیات دفاع مقدس به عنوان پدیده‌ای در پیوند با انقلاب اسلامی و پیامد بلافصل آن و ... از مسائلی است که پرداختن به آن از ضرورت‌های زمان ماست.

«کتاب‌ماه ادبیات» در سال ۱۳۸۷، پرداختن به این موضوع و بررسی زوایای مختلف ادبیات دوره انقلاب اسلامی را جزء سرفصل‌های فعالیت خود در این سال قرار داده و چشم به راه پژوهش‌های جدید صاحب‌نظران این عرصه است. یکی از برنامه‌های «کتاب‌ماه ادبیات» در این راستا، برگزاری نشست علمی «بررسی شعر انقلاب اسلامی و یادکردی از دکتر قیصر امین پور» در سرای اهل قلم نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بود.

در این نشست علمی سه تن از صاحب‌نظران و پژوهشگران ادبیات دوره انقلاب در کنار یادکرد شاعر معاصر، مرحوم دکتر قیصر امین پور، از شاعران برجسته دوره انقلاب و تحلیل شاخصه‌های شعر و اندیشه‌های او، به بررسی ادبیات دوره انقلاب پرداخته‌اند. در این نشست علمی آقای دکتر حسینعلی قبادی، آقای دکتر محمدرضا سنگری و خانم دکتر فاطمه راکعی حضور داشتند. آنچه در پی می‌آید متن ویراسته نشست مذکور است.

دکتر قبادی:

ما نمی‌توانیم شاعری مثل قیصر امین‌پور را خارج از زمینه و بافت (Context) زمانی و شعری چند دهه‌ اخیر به شمار آوریم. یعنی اگر ما بخواهیم قیصر را بشناسیم باید همزمان سلمان هراتی، سیدحسن حسینی و سایر شاعران طراز اول چند دهه‌ اخیر را نیز با هم مورد شناسایی قرار دهیم

ایران و همچنین رئیس هیأت مدیره دفتر شعر جوان هستند که در این دو انجمن با مرحوم دکتر قیصر امین‌پور همکاری نزدیک داشتند، و در این جلسه از صحبت‌های ایشان راجع به یکی از برجسته‌ترین نمایندگان شعر انقلاب، مرحوم دکتر امین‌پور، استفاده خواهیم کرد. جناب آقای دکتر حسینعلی قبادی نیز از پژوهشگران برجسته ادبیات دوره انقلاب، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس و رئیس پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی هستند که از تحلیل‌های فنی ایشان راجع به شعر مرحوم امین‌پور و همچنین عناصر و شاخصه‌های شعر دوره انقلاب استفاده خواهیم کرد.

در ابتدای جلسه از آقای دکتر سنگری می‌خواهیم درباره مفهوم شعر انقلاب و تعریف دقیق این نوع شعر مختصری توضیح بفرمایند.

دکتر سنگری: خدمت دوستان عزیز و نیز دستداران شعر سلام عرض می‌کنم و از دوستان عزیزی که این مجال و فرصت را برای ما فراهم آوردند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. نخست اجازه می‌خواهم از دوست عزیز شاعرمان زنده‌یاد استاد قیصر امین‌پور یاد کنم. از آنجا که فضایی که در آن حضور داریم فضای کتاب است، بنده شعر کوتاهی از این استاد ارجمند را که حاوی

طنزی هشداردهنده و اندازدهنده است خدمت دوستان قرائت می‌کنم و در ادامه به مسائل مربوط به شعر انقلاب می‌پردازم.

خروار خروار خواندیم
بار گران اسفار

بر پشت ما قطار قطار
آوار

و اما تمام عمر در انتظار

یک دم عیسی‌وار ماندیم

یادش گرمی باد. امید

است در طول این مجال و فرصتی که هست از ایشان

موضوع سخن امروز ما گفت‌وگو درباره شعر دوره انقلاب و یادکرد شاعر برجسته روزگار ما، مرحوم دکتر قیصر امین‌پور است. در این جلسه از محضر استادان گرامی جناب آقای دکتر حسینعلی قبادی، جناب آقای دکتر محمدرضا سنگری و سرکار خانم دکتر فاطمه راکعی بهره خواهیم برد و در ادامه با طرح مباحث مربوط به شعر و اندیشه شاعر برجسته دوره انقلاب، مرحوم دکتر قیصر امین‌پور به بررسی و تحلیل شعر دوره انقلاب خواهیم پرداخت.

جناب آقای دکتر سنگری

از پژوهشگران برجسته شعر انقلاب هستند که ما در این زمینه شاهد پژوهش‌های برجسته‌ای از ایشان بوده‌ایم خصوصاً کتاب ارزشمند «نقد و تحلیل ادبیات منظوم دفاع مقدس» که در سال ۱۳۸۰ برنده جایزه کتاب سال شد.

کتاب «پرسه در سایه خورشید» و کتاب «آینه‌داران آفتاب» از دیگر آثار برجسته ایشان است. دکتر سنگری عضو هیأت علمی

دانشگاه، مؤلف کتاب‌های درسی و عضو شورای تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش و همچنین سردبیر مجله رشد آموزش ادب فارسی

هستند. سرکار خانم دکتر

راکعی هم به یقین معارف حضور اهل ادب و شعر انقلاب هستند. ایشان

از شاعران برجسته دوره انقلاب، رئیس

پژوهشکده شعر و هنر

دانشگاه الزهرا و عضو هیأت علمی این

دانشگاه، مدیر عامل

انجمن شاعران





است که مجموعه این فرهنگ را می‌سازد. خلاصه آن که شعر انقلاب اسلامی شعری است که می‌توان در آن ارزش‌های انقلاب را رصد کرد و به عقیده من این تعریف می‌تواند به حقیقت نزدیک باشد.

همگان مطلع هستید که هر آنچه در حوزه هنر وجود دارد تعریف‌گریز است و شاید هیچ عنصری در این عرصه به اندازه شعر تعریف‌گریز نباشد. مرحوم دکتر قیصر امین‌پور می‌فرمودند: «من بر این باورم به تعداد شعرهای خوبی که سروده می‌شود، شعرها تعریف جدید می‌پذیرد.» این سخن ایشان بدین معناست که ما می‌توانیم میلیون‌ها تعریف برای شعر مطرح نماییم، لذا شعر جدید موفق، تعریفی تازه برای شعر است، از این روست که قلمروهای شعری گذشته به تدریج شکسته می‌شود؛ تا به آنجا که امروز نمی‌توانیم بگوییم عنصر خیال به تنهایی تعیین‌کننده شعر است چرا که در ساحت‌های دیگر نیز ممکن است عنصر خیال مشاهده شود، بنابراین چهار رکنی که برای شعر قائل هستیم ممکن است در عرصه‌های دیگر نیز ظهور کند. به هر حال اگر بخواهیم شعر انقلاب اسلامی را تعریف نماییم، هرگز نمی‌توانیم در ساحتی مشخص آن را تعریف کنیم، زیرا شعر انقلاب اسلامی به تمام ساحت‌ها و قلمروهای موسیقایی شعر سرک کشیده است. در شعر انقلاب اسلامی موفق‌ترین نمونه‌های شعر سپید، شعر نو، قالب‌های سنتی و کلاسیک مشاهده می‌شود. به این معنی که شعر انقلاب در تمام قلمروهای موسیقایی شعر خلق کرده است و معیار شخصی وجود ندارد که کسی بتواند بر اساس آن شعر انقلاب اسلامی را تحلیل نماید. بنابراین هرگاه بخواهیم ردپای تاریخ، حادثه‌ها، ارزش‌های دفاع مقدس و انقلاب را در قلمرو شعر مشاهده کنیم باید به شعر انقلاب اسلامی مراجعه نماییم.

از جناب آقای سنگری سپاسگزاری می‌کنم. ایشان درباره ماهیت و چیستی شعر انقلاب اسلامی مطالب لازم را بیان

بیشتر سخن بگوییم. وقتی از شعر دوره انقلاب اسلامی سخن به میان می‌آید، پیش از آن که به تعریفی از شعر این دوره دست یابیم لازم است به چند نکته توجه نماییم؛ نکته نخست اینکه شعر انقلاب اسلامی را در کدام تاریخ بررسی می‌کنیم؟ یعنی گستره تاریخی شعر انقلاب اسلامی مربوط به چه زمانی است؟ آیا بعد از وقوع انقلاب یعنی از سال ۱۳۵۷ تا به امروز دربرگیرنده شعر انقلاب اسلامی است؟ یا احياناً این را می‌شکنیم و فراتر و گسترده‌تر به موضوع می‌نگریم و از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا به امروز را ما شعر انقلاب اسلامی می‌دانیم؟ آنچه می‌تواند در تعریف شعر انقلاب اسلامی تأثیر داشته باشد یکی آن است که ما کرانه‌های تاریخی آن را تعیین و آن را به درستی تبیین کنیم. نکته دوم این است که به اعتبار افرادی که خالق اثر بوده‌اند و شعر آفریده‌اند، شعر انقلاب اسلامی را تعریف نماییم. آیا ما می‌توانیم آثار تمام کسانی را که در این دوره شعر سروده‌اند شعر انقلاب بنامیم؟ اگر جغرافیای شعر را مدنظر بگیریم آیا شعر انقلاب اسلامی الزاماً شعری است که در جامعه ایران خلق شده است؟ یا شعرهایی که در گوشه و کنار دنیا حتی به زبان‌هایی غیر از زبان فارسی در زمینه انقلاب اسلامی ایران سروده شده‌اند نیز شعر انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند؟ برای نمونه در آمریکای لاتین کسانی هستند که انقلاب اسلامی ایران را ستوده‌اند و یا گره‌خوردگی بین جامعه خود و انقلاب اسلامی را باور کرده و در این باب شعر سروده‌اند، آیا ما این اشعار را نیز در شمار اشعار انقلاب اسلامی قرار می‌دهیم؟ به هر حال با طرح این چند مسأله که خدمت شما عرض کردم چنین به نظر می‌رسد که شعر انقلاب اسلامی، شعری است که در قلمرو باورها و ارزش‌هایی که هویت این انقلاب را تشکیل می‌دهد، قرار گرفته است. این اشعار را در چند حیطه می‌توان مورد بحث و بررسی قرار داد. نخست بُعد اعتقادی و حوزه اسلام است، حوزه دوم حوزه ملیت و حوزه سوم نوعی گره‌خوردگی با هویتی

دکتر قبادی:

شاید یکی از رمز و رازهای تحولات شعر قیصر وفاداری او به هنر شعر است که در صورت و معنا تعادل ایجاد کند و نوآوری‌های او مربوط به همین مسأله است. ما نباید در مورد تحولات و نوآوری‌های شعر قیصر یکجانبه و یکبعدی قضاوت کنیم

امکان‌پذیر است. این شاعران در چهارچوب آرمان‌های انقلاب اسلامی که توأم با معنویات و آموزه‌های دینی است، حرکت کرده‌اند و آرمان‌هایی را که از سال ۱۳۵۷ به بعد و حتی پیش از آن یعنی از زمان تبعید حضرت امام مطرح شده است، مبنای طرز فکر و اساس کار خود قرار داده‌اند؛ اما اگر ما تحولی در شعر شاعران بزرگی نظیر قیصر مشاهده می‌کنیم، مثلاً در کتاب «دستور زبان عشق» به عقیده من این تحول سیر طبیعی تطور تحول فکری طبیعی امثال قیصر است. شاعری نظیر قیصر که در بین مردم زندگی کرده است، اگر در زمان جنگ در ستایش رزمندگان شعر می‌سراید و همه عواطف و عشق خود را به پای آنها می‌ریزد، و از جنگ با شکوه یاد می‌کند، قطعاً احساس طبیعی اوست و اگر امروز در آرمان‌ها و اشعار خود از صلح سخن می‌گوید، این آرزوی طبیعی اوست؛ لذا اگر کسی با عواطف انسانی قیصر امین‌پور و امثال او آشنا باشد متوجه می‌شود این شاعران اگر درباره جنگ شعر سروده‌اند، اشعار آنها در ستایش جنگ و تشویق مردم برای جنگ نیست، زیرا اگر هم جنگی بوده در دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌ها بوده است. بنابراین طبیعی است که امثال این شاعران در زمینه جنگ شعر بسرایند و آرزوی صلح و آرامش را در این اشعار مطرح نمایند.

از خانم راکعی سپاسگزارم. همان‌گونه که خدمتتان عرض کردم هنگامی که از شعر با وصفی خاص سخن به میان می‌آید، اشعاری در آن محدوده قرار می‌گیرد که دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌های برجسته و مشخصی باشند. بنابراین از جناب آقای دکتر قبادی تقاضا می‌کنم به عنوان یکی از برجسته‌ترین شناسندگان شعر دوره انقلاب، درباره مشخصه‌ها و مؤلفه‌های فنی شعر دوره انقلاب برای ما سخن بگویند و در ادامه به این سؤال که تا چه اندازه این مشخصه‌ها و مؤلفه‌های فنی در شعر قیصر امین‌پور وجود دارد، پاسخ گویند.

دکتر قبادی: با گرامیادداشت یاد و خاطره شاعر بزرگ معاصر، زنده‌یاد قیصر امین‌پور و با کسب اجازه از خدمت استادان و حضار گرامی، مطالبی را که لازم می‌دانم خدمت دوستان عرض می‌نمایم. بنده سعی می‌کنم به اجمال پاسخ پرسش مذکور را در دو بخش خدمت عزیزان بیان نمایم. در بخش نخست به عنوان یک پیش‌شرط باید به این سؤال پاسخ گویم که آیا در دنیا ادبیات انقلاب را به رسمیت می‌شناسند یا خیر؟ یعنی آیا اصطلاحی به نام ادبیات انقلاب در تاریخ جهان جافتاده یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش باید بگویم قطعاً در ادبیات دنیا چنین

نمودند. همان‌گونه که مستحضر هستید وقتی برای شعر صفتی قائل می‌شویم، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خاصی برای آن نوع شعر در نظر می‌گیریم و شعر دوره انقلاب نیز از این ویژگی مستثنی نیست. در شعر این دوره چهره‌های برجسته و قابل توجهی مشاهده می‌شود و یکی از این چهره‌های برجسته مرحوم دکتر قیصر امین‌پور است. از محضر خانم دکتر راکعی که خودشان از شاعران برجسته دوره انقلاب محسوب می‌شوند و در انجمن شاعران ایران و نیز در دفتر شعر جوان با مرحوم دکتر امین‌پور همکاری بسیار نزدیک داشتند و لذا آشنایی خوبی از شعر و تفکر ایشان دارند، خواهشمندم توضیحاتی اجمالی در اختیار ما و شنوندگان عزیز قرار دهند.

دکتر راکعی: خدمت استادان عزیز و نیز حاضران گرامی سلام عرض می‌کنم و یاد مرحوم استاد قیصر امین‌پور را گرامی می‌دارم. در مورد شخصیت شعری قیصر سخن بسیار است و سؤالاتی در این راستا مطرح می‌شود که به نظر بنده لازم است به آنها پرداخته شود. از جمله مهم‌ترین سؤالاتی که مطرح می‌شود یکی هم این است که آیا قیصر شاعر انقلابی است یا خیر؟ یا الآن در محافلی که شاعران شعر انقلاب حضور دارند امثال شما و قیصر حضور ندارید آیا شما شاعران انقلابی هستید یا خیر؟ به عقیده من سؤالاتی نظیر این سؤال اندکی شبهه‌ناک است و از نظر منطقی دارای مشکل است و تا آنجا که مقدور باشد به این سؤالات می‌پردازم. بنده افتخار آشنایی با قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی، سلمان هراتی و شاعران دیگری نظیر اینها را از دهه ۶۰ و از همان حوزه اندیشه و هنر اسلامی دارم. آن روزها دور هم جمع شدیم و با شعر جدی شعری «ریشه در سنت، تنفس در زمان حال و نگاه به آینده» یک جریان شعری را پی‌نهادیم. اینها به یقین شاعران انقلاب بودند، زیرا همچون سایر مردم انقلابی ایران از بطن مردم جوشیدند و برخاستند و از شاعران راستین انقلاب به شمار می‌آیند. این افراد با آرمان‌های حضرت امام، شهیدان و رزمندگان انقلاب پیش آمدند و آن آرمان‌ها دقیقاً در اشعار آنها ترسیم شده است. این شاعران در مبارزات انقلابی مردم حضور داشتند و برای شهدا و رزمندگان و آرمان‌های انقلابی شعر سرودند. بنابراین اینها شاعران انقلاب و شاعران دفاع مقدس به شمار می‌آیند؛ اما اگر امروز بخواهیم شاعران انقلابی را مشخص کنیم و مرزبندی مشخصی بین آنها و سایر شاعران به وجود آوریم، بنده معتقدم این مرزبندی از طریق تشخیص و شناسایی آرمان‌های این شاعران



دههٔ اخیر، در شعر بسیاری از شاعران اهل مطالعه و اهل فهم و نقد ادبی، با نوع ویژه‌ای از حجم کهن‌الگوها، بیان و تصویرآفرینی کهن‌الگوها به عنوان سرچشمهٔ شبکه تصویرسازی‌ها و تصویرآفرینی مواجه هستیم. شاخصهٔ دوم تعادل و توازن میان صورت و معناست. شاعر طراز اول انقلاب نه صرفاً به دنبال صورت است و نه صرفاً به دنبال معنا و به نظر من قیصر در ایجاد تعادل و توازن میان صورت و معنا منحصر به فرد است و در این زمینه استادی به تمام معناست. شاید یکی از رمز و رازهای تحولات شعر قیصر وفاداری او به هنر شعر است که در صورت و معنا تعادل ایجاد کند و نوآوری‌های او مربوط به همین مسأله است. ما نباید در مورد تحولات و نوآوری‌های شعر قیصر یکجانبه و یک‌بعدی قضاوت کنیم. مثلاً عده‌ای می‌گویند قیصر یکسره به ارزش‌ها پشت‌پازده است، مطلقاً چنین نیست. برخی می‌گویند قیصر یکسره فرمالیست شده است مطلقاً چنین نیست. کسانی که خصوصاً در این اواخر با قیصر حشر و نشر داشته‌اند می‌دانند که تحولات و نوآوری‌های او صرفاً در راستای به کمال رساندن شعرهایش بوده است. مورد سوم رویکرد زیبایی‌شناسانهٔ آگاهانهٔ عارفانه در شعر معاصر است که به‌ویژه در شعر قیصر مشاهده می‌شود. چهارم روحیهٔ معنوی خالق اثر یعنی خود شاعر است. به‌ویژه روحیهٔ اخلاقی بی‌نظیر قیصر در حوزهٔ اخلاق و مدنیت و وفاداری اجتماعی، در خور ستایش است. مورد پنجم رخدادهای وقایع معنوی و خارق‌العاده‌ای است که در طول این چند دهه اتفاق افتاده است و نمونهٔ بارز آن انقلاب اسلامی است و نیز دلاوری‌ها و فداکاری‌های رزمندگان اسلام در طول دفاع مقدس و افتخارآفرینی‌های مردم ایران که همهٔ مردم دنیا را به شگفتی واداشته است.

ششم، بازخوانش میراث‌های ادبی و کوشش برای بازآفرینی جنبه‌های برجستهٔ ادبیات است. هفتم غنی بودن تصاویر بلاغی در میراث ادبی ماست که طبعاً برخلاف دوران ماقبل مشروطیت و حتی چند دهه بعد از آن که شاعران از سنت‌های ادبی فاصله گرفتند و بعد متوجه شدند بریدن از سنت‌های ادبی به طور مطلق به نفع ادبیات نیست، شاعران

ژانری وجود دارد مثلاً ادبیات انقلاب فرانسه در تمام دنیا شناخته شده است و همینطور انقلاب‌های دیگر. سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که چه چیزی می‌تواند محصولات و دستاوردهای ادبی را در حوزهٔ یک انقلاب اجتماعی به عنوان ادبیات آن انقلاب به رسمیت بشناساند و ساری و جاری و متداول نماید؟ به نظر من این ادبیات باید در حد یک گفتمان رشد کند و ببالد و اثرگذار و جریان‌ساز باشد، اما آیا در جریان انقلاب اسلامی چنین اتفاقی افتاده است یا خیر؟ اگر چنین اتفاقی رخ داده باشد، ما می‌توانیم بپذیریم که دورمای به نام دورهٔ ادبیات انقلاب اسلامی داریم. بنده به دلیل کمبود وقت از مقدمات این بحث صرف‌نظر می‌کنم، ولی معتقدم باید در فرصتی مناسب به این سؤال پاسخ گوییم که عناصر سازندهٔ یک گفتمان، خاصه گفتمان ادبی چه چیزهایی است؟ در صورت پاسخگویی به این سؤال است که متوجه می‌شویم آیا در چهل - پنجاه سال اخیر به‌خصوص از مقطع ۱۵ خرداد ۴۲ به بعد توانسته‌ایم وارد حوزهٔ گفتمانی ادبیات شویم یا خیر؟ به نظر می‌رسد چنین اتفاقی افتاده است. مثلاً سمبلیسمی که از ابتدای رواج شعر سمبلیستی نیما در دورهٔ معاصر اتفاق افتاده است، یا سمبلیسمی که در ادبیات داستانی به ویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد در عرصهٔ نثر رواج پیدا کرده است و بخشی از متن‌های ادبی ما را تشکیل می‌دهد در نظر بگیریم. آیا سمبلیسمی که بعد از انقلاب رواج پیدا کرده است، دقیقاً دنبالهٔ همان سمبلیسم است یا خیر؟ به نظر می‌رسد سمبلیسمی که بعد از انقلاب رواج پیدا کرده با سمبلیسم آن دوره کاملاً متمایز است. بنده در مجلهٔ دانشور ویژگی‌های این سمبلیسم را مفصلاً ذکر کرده‌ام. لذا بنده معتقدم ما نمی‌توانیم شاعری مثل قیصر امین‌پور را مخصوصاً قیصر را خارج از زمینه و بافت (Context) زمانی و شعری چند دههٔ اخیر به شمار آوریم. یعنی اگر ما بخواهیم قیصر را بشناسیم باید همزمان سلمان هراتی، سیدحسن حسینی و سایر شاعران طراز اول چند دههٔ اخیر را نیز با هم مورد شناسایی قرار دهیم. من یادداشت‌های فراوانی دارم که نشان می‌دهد نوع خیال‌پردازی و متن‌آفرینی قیصر دقیقاً با خیال‌پردازی و مضمون‌آفرینی سلمان هراتی و سیدحسن حسینی مرتبط است. به نظر می‌رسد ما در چند دههٔ اخیر با گفتمان جدیدی در عرصهٔ بخش‌های عمدهٔ رهیافت‌های شعری معاصر روبه‌رو هستیم، لذا ویژگی‌هایی که خدمت شما عرض می‌نمایم می‌تواند مشخصه‌های اصلی مکتب ادبی انقلاب اسلامی تلقی شود و بدون تردید قیصر از شاعران طراز اول این آفرینش‌هاست. شاخصهٔ اول، آفرینش کهن‌الگوهاست. ما در این چند

دکتر راعی:

در سال‌های نخست تشکیل انجمن، موج‌هایی از تمرین شعر یا شعرهایی با اسامی متعدد مطرح می‌شد، مانند «شعر حجم» که از هیچ یک از موازین شعری تبعیت نمی‌کرد و محتوا و پیام در شعر گم می‌شد و این مسأله برای ما نگران‌کننده بود؛ اما دکتر قیصر امین‌پور معتقد بودند که شاعران با هر سلیقه و تفکر شاعرانه‌ای که دارند باید شعر را تجربه کنند

تشکیل‌دهنده شعر می‌پردازد، لذا از جناب آقای دکتر قبادی که در این باره مطالب لازم را بیان نمودند سپاسگزاریم. در ادامه از جناب استاد سنگری خواهشمندم درباره وضعیت کنونی شعر انقلاب و نیز در مورد چشم‌انداز آینده آن فارغ از این نکته که اصلاً آیا می‌توان برای شعر، چشم‌اندازی از آینده تصویر کرد یا خیر، توضیحات لازم را بیان نمایند.

دکتر سنگری: من پیش از آنکه به سؤال مطرح شده پاسخ گویم؛ لازم می‌دانم به این نکته اشاره نمایم که نباید قیصر را در شعر خلاصه کرد. قیصر ابعاد و ویژگی‌هایی داشت که شماری از این ویژگی‌ها تحت تأثیر شعر او بود؛ به دلیل این که سنت جامعه ما هم شعر است. بنابراین شاید این سخن دیدرو که گفت: «عمر هیچ کس به اندازه شناسنامه‌اش نیست، هر کس به اندازه تاریخش عمر می‌کند». سخن درستی باشد و ما تنیده در تاریخی هستیم که عمدتاً یک رسانه در آن وجود داشته و آن شعر بوده است. بنابراین با وجود این که امروزه در جهان ژانرهای ادبی دیگری نظیر داستان مورد توجه قرار می‌گیرد، در ایران سنتی ما شعر بیشتر مورد توجه است. نثر قیصر نیز فوق العاده است. ما باید نثر قیصر را مورد بررسی قرار دهیم، قیصر نقاد را باید بشناسیم و سایر جنبه‌های هنری او را نیز شناسایی کنیم.

اما در پاسخ به چگونگی وضعیت شعر انقلاب پس از گذشت سه دهه، باید خدمت شما عرض کنم که شتاب تحولات در روزگار ما به حدی زیاد است که می‌توانیم سه دهه‌ای را که پشت سر گذاشته‌ایم به چند دوره تقسیم نماییم. وضعیت امروز مثل گذشته نیست که فاصله یک دوره با دوره دیگر دو قرن باشد مثلاً از سبک خراسانی تا عراقی شاعران ما دو سده در حال تمرین هستند تا به فضایی دیگر برسند. امروزه فاصله دوره‌ها بسیار اندک است و هر سه - چهار سال یک بار دوره جدیدی آغاز می‌شود. شاعران انقلابی در آغاز بیشتر به اندیشه، مضمون و درونمایه شعر می‌پرداختند و به صورت کمتر توجه داشتند. اگر کسی مجموعه سروده‌های سال‌های اول و دوم و سوم انقلاب را بررسی نماید، این ویژگی را به وضوح مشاهده می‌کند. شاعران به تکنیک‌ها کمتر توجه دارند، کمتر صورت‌برایشان مسأله است، می‌خواهند حرفشان را بزنند و به همین دلیل بسیاری از شعرها در این دوره درازدامن و بلند هستند. برخلاف نظر برخی که گمان می‌کردند چون انقلاب بازگشت به سنت است در حوزه شعر نیز گرایش بیشتر به سمت شعر کلاسیک خواهد بود، اتفاقاً شعر انقلاب بیشتر به سمت قالب‌های نو گرایش پیدا کرد. البته بنده

دوره انقلاب جدایی مطلق از این سنت‌ها را به سود ادبیات ندانستند؛ لذا به بازشناسی آثار ادبی پرداختند و این مسأله در مجموع به سود ادبیات و شاعران معاصر منتهی گردید. مورد هشتم اتفاق بی‌بدیلی است که در این دوره در ادبیات رخ داد. در گذشته اشعار ما یا مدحی بود، یا وصفی بود و یا حماسی و تغزلی بود. در دوران مشروطه نیز اجتماع به تنهایی محور متن‌های شعری قرار گرفت؛ حال آنکه در شعر انقلاب اسلامی، عرفان و حماسه و تعهد اجتماعی و دینی و نیز اعتقاد به تکرار سنت‌های شعری به صورت یکجا در اشعار مورد توجه واقع شد. نهم بحث آرمان‌گرایی است. متأسفانه شماری از دوستان در این مورد یکسونگری کرده و در مورد اشعار قیصر گفته‌اند که شعر او جنبه تراژیک یافته است، در حالی که اگر ما همزمان با این مسأله به شخصیت شعر قیصر توجه کنیم، متوجه می‌شویم که او هرگز به تراژدی نزدیک نشده است. شعر قیصر نوستالژی ارزش‌های انقلاب اسلامی و آرمان‌های اجتماعی ایرانی - اسلامی است. او همیشه در حسرت بازیابی ارزش‌هایی بود که در جامعه ما در حال فراموشی بود. دغدغه‌های قیصر، دغدغه‌های اخلاقی - آرمانی بود؛ لذا در شعر قیصر با نوعی تحسّر و نوستالژی ارزش‌ها مواجه می‌شویم. مورد آخر این است که در شعر انقلاب نوعی اسطوره‌سازی و بازیابی ظرفیت اسطوره‌ای در شعر به وجود آمده است و شاعران ما در درجه اول تحت تأثیر مرحوم دکتر علی شریعتی و در درجه دوم تحت‌تأثیر آموزه‌های انقلاب و حضرت امام به اسطوره‌سازی پرداخته‌اند، البته این تربیت نه از نظر ارزشی که از نظر قدمت است. مثلاً سلمان هراتی، سیدحسن حسینی و نیز قیصر، هر سه در فضای گفتمانی مشترک از جبهه و عرصه‌های جامعه به «ما» تعبیر می‌کنند. سید حسن حسینی می‌فرماید:

در تو ای مرد اصالت لبیک سرخگون حلق اسماعیل به لبه تیز تیغ رسالت

آه ای به تمنا رهیافته به حریم منا

و یا قیصر می‌فرماید:

به یاد منطق قربانیان کوی منا

به نای غفلت خود نیش خنجری بز نیم

و یا سلمان هراتی همان تصویر را می‌سازد و جامعه را به باغی تشبیه می‌کند که این تصویر هم آبشخور یا منشأ مشترکی دارد که همان جنت است.

وقتی سخن از شعر انقلاب به میان می‌آید مهم‌ترین و قابل استفاده‌ترین بحث‌ها، مربوط به مسائلی است که به عناصر ذاتی



به شمار می‌آید. من مصداق این مورد را نیز خدمت شما عرض می‌کنم که چه زیبا گمشدگی انسان امروز را (الینه یا الیناسیون) مطرح می‌کند. قیصر می‌گوید:

چند بار خرت و برت‌های کیف بادکرده را زیر رو کنم

پوشه مدارک اداره

و گزارش اضافه‌کار و کسر کار

کارت‌های اعتبار

کارت‌های دعوت عروسی و عزا

قبض‌های آب و برق و غیره و کذا

برگه حقوق و بیمه و جریمه و مساعده

رونوشت بخشنامه‌های طبق قاعده

نامه‌های رسمی و تعارفی

نامه‌های مستقیم و محرمانه معرفی

برگه رسید قسط‌های وام

قسط‌های تا همیشه ناتمام

پس کجاست؟

چندبار جیب‌های پاره پوره را پشت و رو کنم

چند تا بلیط تاشده

چند اسکناس کهنه و مچاله چند سکه سیاه

صورت خرید خواروبار

صورت خرید جنس‌های خانگی

پس کجاست یادداشت‌های درد جاودانگی؟

دردی که قیصر از آن سخن می‌گوید، خونی است که در آوندهای شعر امروز هم جریان دارد. حتی در فضاهای تغزلی نیز این مضمون مشاهده می‌شود. بنده لحظه‌لحظه شعر امروز را تعقیب می‌کنم و به جرأت می‌توانم بگویم مجموعه شعری نیست که ندیده و نخوانده باشم؛ لذا با اطمینان می‌گویم شعر امروز بسیار شکوفا شده است. کار شماری از

به هیچ‌وجه به این نوع مرزبندی معتقد نیستم و به نظر من ما نمی‌توانیم فرم را تعیین‌کننده مرز میان کهنه و نو به شمار آوریم؛ زیرا چه بسیارند شاعرانی که در همان فرم‌های کلاسیک مضامین نو و تازه مطرح کرده‌اند و نیز چه بسیار شاعرانی که در همان بافت و ساختارهای نو و نیمایی، مضامین مطرح در اشعار هفتصد سال پیش را مطرح نموده‌اند. بنده سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ را نقطه عطفی در شعر انقلاب به شمار می‌آورم. در این سال‌ها اولین مجموعه‌های شاعران به بازار آمد. مجموعه شعر زنده‌یاد سیدحسن حسینی، سلمان هراتی و نیز قیصر امین‌پور و سایر شاعران در اختیار مردم قرار گرفت و مردم احساس نمودند که اتفاقی در آستانه وقوع است و همین شاعران دوازده - سیزده سال بعد به حدی رشد کرده بودند که برای همگان غیر قابل تصور بود. در حوزه محتوا و درونمایه هم تحولاتی در شعر به وجود آمد. در این دوره شعر دارای هویتی دینی گردید، به گونه‌ای که حتی عاشقانه‌ترین سروده‌ها نیز بی‌نشان از نمادهای دینی و انقلابی نبود. مثلاً شما می‌توانید از لاله و شهید نشان ببینید حتی اگر در مفهوم خودشان به کار نرفته باشند. همچنین در شعر هویت ملی نیز مشاهده می‌شود، البته در آغاز غلبه با هویت دینی بود؛ اما به تدریج هویت ملی نیز مورد توجه قرار گرفت؛ مثلاً در شعر سلمان هراتی هویت ملی در کنار هویت دینی و هم‌تراز با آن قرار می‌گیرد و چنان این دو را با هم گره می‌زند که از این دوگانه، یگانه می‌سازد و وحدتی ایجاد می‌نماید. در این دوره شعر هویتی نمادین می‌یابد که بنده آن را هویت‌های نمادین انقلاب می‌نامم. نمادهایی که در درون انقلاب خلق شده است و به تدریج به شعر راه یافته که بخشی از این نمادها را مدیون چهره‌های بزرگی نظیر مرحوم دکتر علی شریعتی هستیم. زمانی که تمام عرصه انقلاب با صدای امام پر می‌شود، نمادها و تعبیرهای ویژه ایشان است که به قلمرو شعر راه می‌یابد.

هویت سوم، هویت آرمانی است. بنده دردمندی و حس نوستالژیک زیبا و عمیقی را که در شعر قیصر به وفور یافت می‌شود تحت‌تأثیر همین هویت آرمانی می‌دانم. در این دوره روستا بسیار پررنگ می‌شود، مثلاً آقای مهندس عبدالملکیان از کسانی هستند که فراوان به این موضوع پرداخته‌اند. در این دوره، روستا نماد صافی و پاکی و صفا است و نیز آرمانشهری است که شاعر آن را جست‌وجو می‌کند. چیزی شبیه «ده بالا دست» در شعر سهراب سپهری، همان آرمانشهر سهراب است. همچنین از شاخصه‌های دیگر شعر این دوره، دردمندی و دل‌تنگی و اعتراض است که تا روزگار ما نیز ادامه دارد و از ویژگی‌های برجسته شعر دهه هشتاد نیز



دکتر سغری

حضور فعال دارند می‌خواهم در مورد فعالیت‌های این انجمن توضیحاتی را به صورت اجمالی بیان نمایند.

دکتر راکعی: عناصر تشکیل دهنده انجمن شاعران ایران و دفتر شعر جوان افرادی بودند که اوایل انقلاب با آن شعاری که خدمتتان عرض کردم اول؛ دفتر شعر جوان را تشکیل دادند. قیصر امین‌پور، سیدحسین حسینی، محمدرضا عبدالملکیان، ساعد باقری، محمدرضا محمدی و بعد هم در انجمن شاعران در کنار استاد مشفق کاشانی که بنده نیز افتخار حضور در کنار این بزرگان را داشتم، از مهم‌ترین ویژگی‌های این انجمن، نگاه اعضای آن به شعر و فضای شعری بود که نسبت به آن اعتقاد داشتند. اعضای این انجمن معتقد بودند که اگر کسی در فضای شعر کلاسیک فارسی تنفس نکرده باشد هرگز نمی‌تواند شاعر خوبی شود حتی در زمینه شعر نو و نیمایی و سپید نیز موفقیتی به دست نمی‌آورد؛ لذا خودشان نیز این نگاه را تجربه کردند و وارد شعر معاصر ایران شدند و در دفتر شعر جوان و انجمن شاعران نیز این مسأله را مطرح کردند. در سال‌های نخست تشکیل انجمن، موج‌هایی از تمرین شعر یا شعرهایی با اسامی متعدد مطرح می‌شد، مانند «شعر حجم» که از هیچ یک از موازین شعری تبعیت نمی‌کرد و محتوا و پیام در شعر گم می‌شد و این مسأله برای ما نگران‌کننده بود؛ اما دکتر قیصر امین‌پور معتقد بودند که شاعران با هر سلیقه و تفکر شاعرانه‌ای که دارند باید شعر را تجربه کنند. به عقیده ایشان اگر این شاعران، شاعران خوبی بودند جای خود را باز می‌کردند، اگر ضعیف عمل می‌نمودند خود به خود کنار می‌رفتند. خوشبختانه امروز جریان‌های در شعر به وجود آمده است که ریشه در سنت دارد. واقعیت این است که در طول تاریخ هیچ هنری از زیر بته نرویده است و هر هنری که به وجود آمده، ریشه در سنت داشته است. در جریان شعری امروز، شاعران با درد انسان معاصر و نیز دردهای ملی و بین‌المللی آشنا هستند و نگاه به آینده و نیز مطالعه، سبب تقویت آنها از جنبه زبان شعری و بنمایه شعری می‌گردد. بنده معتقدم شعر امروز ما چه در حیطه‌های آیینی و چه به لحاظ اجتماعی، انسانی و عاطفی رشد بسیار خوبی داشته است.

و گاهی شعرهای اعتراض که شعرهای اجتماعی به شمار می‌آیند و پویایی اجتماعی ما را رقم می‌زنند در حد مطلوبی رشد کرده است. اما در مورد شعر قیصر باید بگویم قیصر به دلیل اینکه در فضای انقلاب اسلامی رشد کرده بود و در جریان اعتقادات دینی و معنوی به زندگی و هستی انسان شکل گرفته بود، در شعرهای نخستینش، نگاه او به انسان و روابط و مسائل انسانی نگاهی همه‌جانبه است و در این زمان جنبه‌های مردمی،

نوجوانان ما در زمینه شعر شگفت‌انگیز است به گونه‌ای که حتی گاه پا بر روی شانه‌های بزرگان می‌گذارند و آثاری بسیار قوی خلق می‌کنند؛ البته ما در کنار اینها، باید به مسائل حاشیه‌ای شعر نیز توجه نماییم. در گذشته تنها رسانه‌ای که وجود داشت شعر بود، اما امروزه ما با رسانه‌های فراوانی مواجه هستیم و این مسأله به خودی خود ذهن‌ها، زبان‌ها و عواطف و احساسات را بین خود تقسیم می‌کند. همچنین برخی از پدیده‌ها امروزه پدیده‌های شگفت ادبی به شمار می‌آیند و شاید به جرأت بتوانیم بگوییم ده - دوازده پدیده جدید ادبی در این چند سال اخیر شکل گرفته است. برای نمونه پیامک‌ها و نامه‌های اینترنتی پدیده‌های جدید ادبی به شمار می‌آیند که باید مورد بحث و بررسی و پژوهش قرار گیرند. ما باید ببینیم برخی از مجموعه شعرهایی که امروزه چاپ می‌شود، چرا به تیراژهای بالا نمی‌رسد. این مسأله از طرفی مربوط به تفاوت سلیقه‌هاست و از طرف دیگر به این موضوع باز می‌گردد که امروزه شعر، تنها رسانه ارتباطی نیست و در کنار آن رمان، داستان کوتاه و سایر گونه‌ها نیز در عرصه ادبیات حضور دارند و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد؛ البته کم‌حوصلگی و کمبود وقت مخاطبان و نیز عدم حمایت از شاعران جوان از دیگر عوامل کاهش تیراژ این مجموعه‌ها است، لذا اگر مجالی فراهم شود که ما بتوانیم به صورت جدی و مصداقی شعر امروز را نقد نماییم، خدمت بزرگی در حق شاعران جوان صورت گرفته است. خلاصه این که بنده چشم‌انداز آینده شعر را بسیار روشن و موفق می‌بینم و مصادیق آن کارهای برجسته‌ای است که در این زمینه صورت گرفته است.

موضوع دیگری که لازم می‌دانم بدان پیردازم در زمینه فعالیت‌های انجمن شاعران ایران است.

با توجه به اینکه هدف فعالیت‌های انجمن شاعران ایران و دفتر شعر جوان، بهبود چشم‌انداز آینده شعر ایران است از خانم دکتر راکعی که در کنار مرحوم قیصر امین‌پور در این انجمن فعالیت می‌کردند و هم‌اکنون نیز در کنار سایر دوستان در انجمن

دکتر سنگری:

شعر انقلاب اسلامی، شعری است که در قلمرو باورها و ارزش‌هایی که هویت این انقلاب را تشکیل می‌دهد، قرار گرفته است. این اشعار را در چند حیطة می‌توان مورد بحث و بررسی قرار داد. نخست بُعد اعتقادی و حوزه اسلام است، حوزه دوم حوزه ملیت و حوزه سوم نوعی گره‌خوردگی با هویتی است که مجموعه این فرهنگ را می‌سازد



اجتماعی، سیاسی و انقلابی اشعارش بسیار قوی است. بعدها قیصر به لحاظ شخصیت چند بعدیش به اشعار عاطفی و عاشقانه نیز روی می‌آورد. در کتاب «دستور زبان عشق» تأملات درونی قیصر، تأمل در مرگ، در فلسفه اجتماعی، در فلسفه فردی و تفکرات انسان و همین‌طور تفکر در مسأله عشق، چیستی و چگونگی آن و مسائلی از این قبیل را می‌بینیم که قیصر تحت‌تأثیر تفکرات خود در هر دوره‌ای اثری را به جامعه ارائه کرده است.

از خانم دکتر راکعی سپاسگزارم. در ادامه از آقای دکتر قبادی می‌خواهم اگر نکته خاصی مدنظرشان است بیان نمایند.

دکتر قبادی: خانم دکتر راکعی درباره تحولات

شعر قیصر مطالب ارزنده‌ای بیان نمودند. بنده نیز

لازم می‌دانم به صورت اجمالی مطالبی را در این زمینه عرض نمایم. اصولاً داوری جامع در مورد شخصیت‌های چند بعدی کار دشواری است. قیصر نیز در شمار همین شخصیت‌هاست. قیصر صرفاً شاعر نبود؛ او یک متفکر بود، استاد دانشگاه و محقق بود. شاید بتوان به جرأت گفت در میان شاعران نسل انقلاب، قیصر تنها کسی بود که به مرزهای نظریه‌پردازی نزدیک شد. طبق آخرین صحبتی که در زمینه کتاب «سنت و نوآوری در شعر معاصر» با قیصر داشتیم، می‌گفت پنج سال منتظر شدم که این کتاب را چاپ نکنم تا جدیدترین نظریه‌ها را مطرح کنم (اما به دلیل نبود وقت آن را منتشر کرد) لذا داوری در مورد شخصیت قیصر خصوصاً از لحاظ تحولاتی که شاهد آن هستیم کار ساده‌ای نیست. تحولات قیصر هرگز به معنای پشت کردن به ارزش‌ها و آرمان‌های پیشین نیست بلکه به معنای احیای بیشتر آن ارزش‌هاست. تلاش کردن برای احیای بیشتر ارزش‌ها لازمه تعالی یک شاعر است. قیصر در آثار آخرین خود کمال‌یافتگی را از شوریدگی متمایز کرده و انسان شوریده کمال یافته و یک انسان کمال یافته شوریده است درک چنین انسانی سخت است لذا بعضی گفته‌اند قیصر به مرحله تراژیک رسیده و به ارزش‌ها پشت کرده است؛ حال آنکه اصلاً چنین نیست من فکر می‌کنم آغاز و انجام قیصر را باید در این قاعده جست‌وجو کرد. قیصر هم مولوی‌وار حرکت کرده یعنی فاصله میان درون و برون خود را کم کرده، فاصله میان هنر و قدرت علم خود را کم کرده یعنی شعر آینه صفت شده، این شعر و سرایش او صیقل

درون اوست مثل خود مولوی که می‌گوید: «من چو لب گویم، لب دریا بود». قیصر به چنین وضعیتی رسیده، همان ویژگی مهمی که همیشه دغدغه قیصر بوده او را به یک حافظ‌وارگی تبدیل کرده است، یعنی قیصر نمی‌خواست در هیچ بعدی از ابعاد و هنر شعری، حرف اول را بزند. بلکه مهم‌ترین هدف او حفظ تعادل و توازن در همه ابعاد شعری است و این همان چیزی است که سبب برتری حافظ نیز شده است. قیصر کسی است که می‌خواهد هم در حوزه‌های اجتماعی و هم در حوزه ارزش‌های انقلابی تنفس کند و این کار دشواری است و تنها انسان‌های متفکر و چندبعدی می‌توانند از عهده این کار برآیند و به حق قیصر مرد این کار بود. اگر قیصر دم از صلح می‌زند، این هرگز به معنی نفی دفاع نیست. قیصر صلح را به عنوان اصالت اجتماع مطرح می‌کند و به دفاع از آن برمی‌خیزد، اصل بر صلح است نه جنگ. صلح هم در منطق قرآن برای سعادت جامعه انسانی به جنگ ارجحیت دارد. قیصر از طرفی می‌خواست برای روشنفکران عصر ما به مثابه پنجره‌ای باشد برای تنفس صبح‌دمان امید در پرتو اصالت‌های دینی و از طرف دیگر می‌خواست برای دینداران در بچه‌های باشد که آسمان دین را پهناورتر، زیباتر و متکثرتر ببینند.

با تشکر از جناب آقای دکتر سنگری، جناب آقای دکتر قبادی و سرکار خانم دکتر راکعی که در این نشست علمی شرکت نمودند و با تشکر از حاضران گرمی که با حضور خود در این جلسه به محفل ما رونق بخشیدند.